محبوب فؤاد حضرت امین جناب حاجی میرزا ابوالحسن علیه بهآء اللّه الأبهی ملاحظه فرمایند

۱۵۲[[1]](#footnote-1)۱

بسم ربّنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

حمد بساط حضرت موجودیرا که وجود را موجود فرمود و عالم را بانوار اسم اعظم منوّر نمود در عالم معنی و معنی معنی و معنی معنی معنی سرّی و مطلبی و کلمه‌ئی باقی نه مگر آنکه از قلم اعلایش جاری و ساری و ظاهر و هویدا جلّ جلاله و عمّ نواله و عظم شأنه و لا اله غیره و الصّلوة و السّلام و التّکبیر و البهآء و الذّکر و الثّنآء علی اولیائه الّذین ما نقضوا عهده و میثاقه و قاموا علی خدمة امره العزیز البدیع

و بعد یا محبوبی این نامهٴ ششم است که ارسال میشود دستخطهای آنمحبوب نمرهٴ اوّل ١٧ ربیع‌الأوّل و ثانی دهم جمادی‌الأوّل و ثالث پنجم جمادی‌الثّانی رسید رسیدن ارمغان بیان در حدیقهٴ معانی آنچه در او مذکور مکرّر قرائت شد نفحات محبّت از او ساطع و فوحات خلوص از او در هبوب هر کلمهٴ آن شاهدی بود صادق و گواهی بود امین بر اقبال و توجّه و خدمت حضرت امین و بعد از قرائت و اطّلاع قصد مقصد اعلی نموده امام وجه بعد از اذن عرض شد و باصغاء محبوب عالم فائز گشت هذا ما انزله الرّحمن فی الجواب قول الرّبّ تعالی و تقدّس

انا المبیّن الحکیم

یا امین طوبی از برای کلمه‌ئی که در ایّام اللّه باصغاء مقصود فائز گشت و طوبی از برای حرفیکه در محضر اقدسش حاضر شد و طوبی از برای لفظیکه در مدینه‌اش ظاهر گشت قل ان تعدّوا نعمة اللّه لا تحصوها ظاهر شد و ظاهر فرمود آنچه را که از قلوب و عیون مستور بود راهش نمودار امرش پدیدار من غیر تعطیل و تعویق اشراقات انوار آفتاب عنایتش رسیده و میرسد سرج امر باسمش ظاهر و آیات عظمت بامرش نازل اوست قادر یکتا و گویندهٴ یکتا حزب اللّه را از ذکور و اناث که در بلاد حقّ جلّ جلاله ساکنند یعنی مدائن ایمان و ایقان هر یک را تکبیر و سلام برسان و بانوار آفتاب بخشش الهی بشارت ده و بآثار قلم اعلی متذکّر دار طوبی لک یا امین شهد قلمی الأعلی بأنّک فزت بالحضور و اللّقآء و المشاهدة و الاصغآء کن سحاباً للبلاد و نیسان العنایة للعباد از حقّ میطلبیم حزب خود را بطراز انقطاع مزیّن فرماید بشأنیکه بتمام همّت بر خدمت قیام نمایند و بهدایت من علی الأرض توجّه کنند

بگو ای اهل عالم ندای مظلوم را بشنوید و بآنچه سزاوار است تمسّک نمائید بر هر نفسی راه خدا معلوم و واضح بمثابهٴ آفتاب نورش مشرق و اشراقش ظاهر هر نفسی بر خدمت قیام نماید ذرّات عالم و اهل فردوس اعلی و جنّت علیا از حقّ تأییدش را میطلبند و توفیقش را میخواهند بعنایت حقّ جلّ جلاله قدم را از مکان بردارید و بر لامکان گذارید و آن مقام انقطاع از کل و قیام بر خدمتست امروز نور ندا مینماید و طور بشارت میدهد اثمار میگوید یا اشجار روز روز شادیست و یوم فرح و سرور است چه که محبوب ظاهر و مشهود است عجب جذبی عالم را اخذ کرده و عجب شوری بین ملأ اعلی بساط ابتهاج بکمال انبساط مبسوط طوبی از برای لسانیکه بذکرش ذاکر و سمعیکه بترنّمات اشیاء فائز ای صاحبان سمع اطیار فردوس اعلی در تغنّی ای صاحبان بصر انوار اسم اعظم مشهود خود را محروم منمائید قدر ایّام را بدانید قلم اعلی در لیالی و ایّام بذکر حزب اللّه مشغول طوبی لهم و لهم حسن مآب و للّه الأمر فی المبدء و المعاد انتهی الحمد للّه فائز شد آنمحبوب بآنچه که امل مقرّبین و امل مخلصین بوده

اینکه در ذکر مخدّرهٴ مکرّمه عمّه و بنت علیهما بهآء اللّه مرقوم داشتند و همچنین ذکر حاجیهای ارض کاف علیهم بهآء اللّه و ذکر ضیافت ورقه خدیجه سلطان علیها بهآء اللّه کل بشرف عرض امام حضور ربّ فائز و هر یک از لسان عظمت مذکور این نعمت عظیم است مقامش را بدانید چندی قبل حضرت اسم اللّه م‌ه علیه منکلّ بهآء ابهاه ذکر ضیافت نمودند و بعد از قبول عمل فرمودند در همان لیله ذکر ایشان از قلم اعلی جاری و ارسال شد

اینکه در بارهٴ جناب آقا سیّد فرج‌اللّه علیه بهآء اللّه و محبّت و استقامت ایشان نوشته بودند بعد از عرض آفتاب عنایت از افق سماء فضل مشرق و از قبل هم حضرت اسم‌اللّه از جانب ایشان عمل نمود آنچه را که ذکر شده بود و اینکه در بارهٴ ابناء خلیل و ورّاث کلیم علیهم بهآء اللّه در ارض هاء و میم مرقوم داشتند در ایّامیکه آنمحبوب بشرف حضور فائز بودند یک صحیفهٴ مبارکه از سماء مشیّت مخصوص ایشان نازل نظر بحکمت الی حین ارسال نشد و حال ارسال میشود از حقّ میطلبم ایشانرا مؤیّد فرماید بر استقامت کبری چه که ناعقین و ناهقین کالجراد المنتشر در مدن و دیار متفرّق شده‌اند نسئل اللّه ان یحفظ الکلّ بفضله و جوده انّه هو جواد کریم

اینکه مرقوم داشتند مکتوب اینعبد که تاریخ آن ٢۶ ربیع‌الأوّل بود رسیده و قبل آن نرسیده صورت آنچه ارسال شد موجود یازدهم ربیع‌الأوّل مکتوب اینعبد که مزیّن بود بآیات الهی مع عدد تسع ٩ اوراق وصول ارسال شده امید است که تا حال رسیده باشد

اینکه در بارهٴ حبیب روحانی جناب آقا یحیی علیه بهآء اللّه مرقوم داشتند هر صاحب بصر و انصافی اگر ملاقات نماید میگوید آنچه را که جناب آقا یحیی گفته ولکن نظر بحجبات نفس و هوی و حبّ ریاست و اختلاف و فتنه و نفاق میگویند آنچه را که سبب اضلال خلق بیچاره است بمثابهٴ مفتریات قبل که چند نفس غافل نظر بحبّ ریاست از حقّ گذشتند و ببیانات موهومه عباد بیچاره را در بیدای حیرت و اختلاف و کذب مبتلا نمودند آنچه گفته‌اند جمیع کذب مثل ناحیه و جابلقا و جابلسا و امثال آن چنانچه بکرّات اینفقرات در نامه‌های اولیا ذکر شده که شاید بعضی متنبّه شوند و مرّهٴ اخری باوهامات قبل مبتلا نگردند این ایّام احمد کرمانی ابن ملّا جعفر و آقا خان بجزیره رفته‌اند و با مطلع اوهام تدبیرات کرده‌اند و مراجعت نموده‌اند حال ملاحظه نمائید اگر آن نفوس فی‌الجمله منصف بودند و یا للّه حرکت مینمودند باید باین ارض که از اوّل امر الی حین ندای حقّ بأعلی النّدآء مرتفعست بیایند به حاجیهٴ از اهل کاف و راء علیها بهآء اللّه گفته‌اند که به عکّا هم میآئیم مع‌ذلک نیامده‌اند سبحان‌اللّه بخدعه و مکری ظاهر شده‌اند که غیر از حقّ از احصای آن عاجز حقّ شاهد و اولیائش گواه که آن نفوس ابداً از اصل امر آگاه نبوده و نیستند باری ذرهم فی خوضهم یلعبون مقصود از تحریر اینکلمات اطّلاع آنمحبوب بوده لا غیر

در این حین تلقاء وجه حاضر و لسان عظمت باینکلمه ناطق قوله جلّ جلاله یا امین علیک بهائی لازال در نامه‌های تو که بعبد حاضر ارسال نمودی ذکر اتّحاد و اتّفاق و الفت و محبّت و وداد حزب الهی بوده مخصوص نفوسیکه مابین عباد اختصاص یافته‌اند و بشرف عنایت مخصوصه فائزند ولکن الی حین آنچه سزاوار است مشاهده نگشت زهی حسرت اگر بنصایح قلم اعلی لوجه اللّه منقطعاً عن ملهمات النّفس و الهوی عمل مینمودند ارض غیر ارض و عباد غیر عباد مشاهده میگشت از حقّ میطلبیم و بطلب تا ظاهر شود آنچه که سزاوار است امروز انقطاع و تقوی معین و ناصر امرند طوبی لمن فاز بهما فاسئل اللّه ان یمدّهم بجنود الذّکر و یلهمهم ما ینبغی لهم فی ایّام ربّهم المبیّن العلیم الحکیم

یا محبوب فؤادی اینعبد در این حین از حزن جمال قدم بشأنی محزون که فی‌الحقیقه عدم را بر وجود ترجیح دادم چه که حالتی مشاهده شد که لسان یارای ذکر و قلم یارای بیان ندارد و کفی باللّه شهیدا و اینکه مرقوم داشتند دوستان الهی را در هر ارضی ملاقات نمایند بعد از عرض اینفقره در ساحت اقدس فرمودند امین علیه بهائی سبب تذکّر عبادند و در جمیع احوال خیرخواه کل از حقّ میطلبیم او را تأیید فرماید انشآءاللّه در جمیع احوال بعزّ امر ناظر باشند ادای حقوق بر کل واجب و نفع آن بانفس عباد راجع ولکن قبول آن معلّق است بروح و ریحان و رضای نفوس عادلهٴ عامله در اینصورت اخذ جایز والّا فلا انّ ربّک هو الغنیّ الحمید انتهی

اینکه در بارهٴ محبوب روحانی جناب عندلیب علیه بهآء اللّه و عنایته مرقوم داشتید للّه الحمد موفّقند بر خدمت امر حضرت محبوب فؤاد جناب سمندر علیه بهآء اللّه الأبهی مکرّر ذکر ایشانرا نموده‌اند و این ایّام نظم و نثر ایشان در حضور عرض شد و ورقهٴ نظم را التفات فرمودند باهل سرادق عصمت و عظمت انّ ربّنا هو الفضّال الکریم بایشان بشارت بدهید لازال ذکر ایشان و تبلیغ ایشان و خدمت ایشان مذکور یسئل الخادم ربّه ان یؤیّده فیکلّ الأحوال

اینکه مراتب خلوص و محبّت و اشتعال مخدّره ورقه ضلع مرفوع مرحوم آقا محمّد جعفر علیهما بهآء اللّه و همچنین ذکر اشتعال جناب حاجی ابوالقاسم علیه بهآء اللّه و توجّه ایشانرا مرقوم داشتند هنیئاً لهما الحمد للّه بعنایت حقّ جلّ جلاله فائزند و مخصوص ذکرشان از لسان عظمت جاری کل را بعنایت الهی بشارت دهید اینعبد هم خدمت هر یک سلام و تکبیر میرساند و از حقّ تعالی شأنه از برای هر یک میطلبد آنچه را که باقی و پاینده است ذکر جناب آقا میرزا مهدی علیه بهآء اللّه و محبّت و استقامت ایشانرا فرموده بودند و همچنین ذکر من معه الّذی سمّی باسمه الحمد للّه این ایّام در ساحت اقدس مذکورند و ذکر ایشان در آیاتیکه مخصوص حضرت محبوب فؤاد جناب ورقا علیه بهآء اللّه الأبهی از سماء مشیّت نازل شده نازل و ارسال شد انشآءاللّه بآن فائز شده و میشوند و باشراقات انوار نیّر بیان الهی مزیّن میگردند انّ ربّنا الرّحمن هو المبیّن العلیم و هو المشفق الکریم حسب الاستدعای آنمحبوب این خادم بنیابت بزیارت فائز نسئل اللّه تعالی ان یجعل حرف عملنا و آمالنا کتاباً من عنده انّه علی کلّشیء قدیر

اینکه در دستخطّ دیگر آنمحبوب ذکر ورود به راء و شین و ذکر اولیای آن ارض و اشتعال و استقامتشانرا در محبّت الهی مرقوم داشتند بعد از عرض حضور مالک یوم النّشور این آیات از مطلع عنایت اشراق نمود قوله تبارک و تعالی یا اولیائی فی الرّآء و الشّین اسمعوا ندآء اللّه الملک الحقّ المبین انّه لا اله الّا انا الفرد الخبیر امروز اشیاء مترنّم و عنادل بیان بر اغصان سدرهٴ عرفان مغرّد امروز هر یک از اشیاء محلّی اختیار نموده و در آنمحل بذکر حقّ جلّ جلاله مشغول از عرف آیات مالک اسماء و صفات و شوق ظهور مظهر بیّنات کل منجذب آیات سرور و ابتهاج کل را اخذ نموده ولکن معشر عباد اکثری غافل یا حزب اللّه اگرچه السن عالم از ذکر مالک قدم علی ما ینبغی عاجز و قاصر است ولکن چون کل را امر بذکر و ثنا فرموده لذا مقبول عنایت حقّ جلّ جلاله نسبت بشما بمثابهٴ آفتاب روشن و منیر خلق فرمود تربیت نمود بصراط مستقیم راه داد و از کأس محبّت قسمت عطا فرمود لعمر اللّه ملأ اعلی در جمیع احیان بذکر اهل بها مشغول یشهد بذلک لسان العظمة فی مقامه المحمود نسئل اللّه ان یوفّقکم و یؤیّدکم علی ما امرتم به فی الکتاب و یمدّکم بأسباب الأرض و السّمآء و یقرّبکم الیه و یوصیکم بالمحبّة و الاتّحاد و بالحکمة و البیان انّه هو الآمر الحکیم کل بکمال اتّحاد و اتّفاق رفتار نمائید و حکمت را از دست مدهید فساد و نزاع مردود است یا حزب اللّه انصروا المظلوم بالأعمال و الأخلاق هذا ما نزّل فی الواح شتّی من لدی اللّه مولی الوری البهآء من لدنّا علیکم و علی الّذین ما منعهم ظلم العالم عن اللّه مولی الأمم انتهی

و همچنین ذکر سادات خمس علیهم بهآء اللّه را نمودند هذا ما نزّل لهم من جبروت عنایة ربّنا المشفق الکریم قول الرّبّ تعالی و تقدّس یا امین علیک بهائی للّه الحمد سادات مذکوره علیهم بهائی مکرّر بآثار قلم اعلی فائز بشّرهم بذکری فی هذا الحین انّا ذکرنا الّذین اقبلوا الی اللّه ربّ العالمین نسئل اللّه ان یوفّقهم و یکتب لهم ما ینفعهم فی الآخرة و الأولی انّه هو السّامع المجیب انتهی

و همچنین ذکر جناب آقا محمّد حسین (ص‌‌رّ) علیه بهآء اللّه را نمودند بعد از عرض این آیات از مطلع عنایت ربّنا الرّحمن نازل قوله تبارک و تعالی انّا ذکرناه من قبل و من قبل قبل و ایّدناه علی الاقبال الی اللّه الفرد الخبیر لازال در ساحت اقدس مذکور بوده و هستند این ایّام لوحی مخصوص او نازل و بتوسّط اسم اللّه م‌ه ارسال شد بشّره بعنایتی و فضلی و رحمتی انتهی فی‌الحقیقه ایشان در ایّامیکه فارس تشریف داشتند بذکر ناطق بودند و بر خدمت قائم انّه لا یضیع اجر المحسنین اینعبد هم خدمت ایشان سلام و ثنا میرساند و تکبیر عرض مینماید

ذکر ارض قاف و اولیای حقّ و ضیافتهای ایشان و همچنین ضیافت جناب حاجی محمّد جواد علیهم بهآء اللّه را نمودند بعد از عرض در ساحت اقدس این بیان از ملکوت برهان نازل قوله تبارک و تعالی طوبی از برای نفوسیکه بخدمت اولیای الهی مشغولند للّه الحمد اولیای ارض قاف هر یک بعنایت فائز و بانوار آفتاب استقامت منوّر کل را ذکر مینمائیم و بشارت میدهیم یا جواد علیک بهائی جناب امین ذکر شما را نموده از حقّ میطلبیم در جمیع احوال شما را تأیید فرماید و از اثمار ایقان اشجار بدیعه در ارض طیّبهٴ مبارکه برویاند و از آن اشجار اثمار دیگر و اوراق دیگر ظاهر فرماید اوست قادر و توانا لا اله الّا هو العلیّ الأبهی یا جواد افرح بذکری ایّاک و اقبالی الیک من شطر السّجن انّه لا یعادل بذکری شیء من الأشیآء یشهد بذلک من عنده امّ الکتاب انتهی

اینکه در بارهٴ محبوب فؤاد حضرت حاجی میرزا حیدر علی علیه بهآء اللّه الأبهی مرقوم داشتند و همچنین مراتب خدمت و توکّل و انقطاع و اشتغال و قیام و استقامت ایشانرا فی‌الحقیقه ایشان همان قسمند که آنمحبوب نوشته‌اند للّه الحمد باخلاق طیّبه مزیّنند و بر امر مستقیم و بنور منیر و بنار سدره مشتعل از حقّ تعالی شأنه از برای ایشان میطلبم آنچه را که از افق کتاب الهی محو نشود

اینکه ذکر شیخ محمّد کرمانشاه نمودید او از معرضین کبار است بیچاره کورکورانه میدود از امور اطّلاع ندارد آنچه از غافلین شنیده بآن تمسّک جسته حاجی ابراهیم اهل قاف لیلاً و نهاراً با منافقین معاشر یا محبوب فؤادی استقامت بمثابهٴ عنقا ذکرش موجود و هیکلش مفقود اکثری بهر ریحی متحرّک از حقّ میطلبم بصر انصاف را بگشاید و راستی عطا فرماید بسیار حیف است این ایّام عباد از بحر بیان محروم مانند الأمر بیده یفعل ما یشآء و یحکم ما یرید و هو العزیز الحمید

اینکه در بارهٴ وجوهاتیکه حواله شده بود ببعضی برسانند مرقوم داشتید فی‌الحقیقه این امورات هر یک بابیست از برای خیرات مع ضیق و تنگی این ارض و مصارف لاتحصی آنچه برسد ارادهٴ حقّ جلّ جلاله آنکه بنفوس راضیهٴ مرضیّه برسد تا باستغنای کامل بتعلیم و اصلاح و تهذیب قبائل مشغول شوند در این حین اینکلمهٴ علیا از مطلع عنایت کبری نازل قوله تبارک و تعالی هر نفسی الیوم ارادهٴ نصرت امر نماید یعنی بتبلیغ مشغول شود باید اوّلاً بطراز انقطاع مزیّن گردد از حقّ میطلبیم کل را موفّق فرماید بر آنچه لایق ایّام اوست انتهی

اینکه در ذکر ورقه ثمره علیها بهآء اللّه مرقوم داشتید بعد از عرض در ساحت اقدس لسان عظمت باینکلمهٴ مبارکه ناطق قوله تبارک و تعالی یا امین علیک بهائی وجه هدهد علیها بهائی را امر نمودیم به ثمره برسد که او برساند چه که واسطه او بوده امّا وجه میرزا محمّد را مخصوص نوشتیم باید بدست خود او برسد اینفقره معلّق بمشورت کسی نبوده آنچه از سماء مشیّت نازل باید بآن تمسّک نمایند تا مطابق امر مبرم الهی واقع شود مقصود آنکه اینفقره اشتهار نیابد ستر این امور نزد حقّ محبوب بوده و هست انّه هو السّتّار یأمرک بالسّتر الجلیل و هو الصّبّار یأمرک بالصّبر الجمیل انتهی

اینکه در بارهٴ برات معلوم مرقوم داشتند و همچنین ردّ آنرا که مصلحت ندیده‌اند بلی باید مدارا نمود سبحان‌اللّه عالم شاهد و گواه که در الواح الهی مطلب واضح و هویدا مع‌ذلک الی حین مقصود معلوم نه مکرّر از لسان عظمت اینکلمهٴ علیا استماع شد قوله جلّ جلاله یا عبد حاضر اینظهور از برای اصلاح عالم و الفت امم آمده که شاید بکوثر بیان که از قلم رحمن در کلّ احیان جاری نار ضغینهٴ مکنونهٴ در صدور بیفسرد و هیکل عالم از این مرض ادهم طاهر شود و شفا یابد و همچنین هنگامی دیگر اینکلمهٴ مبارکه از لسان مبارک شنیده شد فرمودند لعمر اللّه اگر ضرّ بر نفس حقّ وارد شود نزد مظلوم اولی و احسنست از آنکه بغیر واقع گردد مکرّر امثال این بیان از لسان رحمن استماع شد و نفس کتب و زبر و الواح ناطق و مبیّن طوبی للنّاظرین میتوان ببعضی معاذیر تمسّک نمود که هم ایشان فارغ شوند و هم معین مطمئن این خادم فانی از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل که مخدوم مکرّم جناب س‌ی را مؤیّد فرماید بر آنچه که خیر و صلاح کل در آنست اگر راضی شوند بآنچه که در حضور القا شده البتّه حقّ جلّ جلاله نصرت نماید و اعانت فرماید و این نصرت و اعانت باسباب ظاهره معلّق نبوده و نیست بل مسئلت عبد است از حضرت باری جلّ جلاله و عمّت نعمائه و احاط فضله و کرمه و ملاقات آنمحبوب با نفوسیکه ذکر نمودند جایز نه هر قدر از آن نفوس مستور باشید اولی و احبّست

و اینکه در بارهٴ جناب آقا علی حیدر علیه بهآء اللّه مرقوم داشتید ایشان لازال لدی الوجه مذکورند اجر عاملین در کتاب از قلم اعلی مسطور بعد از عرض ذکر ایشان امام عرش اینکلمهٴ علیا از لسان مولی الوری ظاهر قوله تبارک و تعالی یا امین علیک بهائی جناب علی قبل حیدر بذکر حقّ فائز لازال حقّ اعانت فرموده و او را بخدمت امر فائز نموده آنچه در بارهٴ او و خدمتش و همچنین اشتعالش بنار محبّت الهی ذکر نمودی صحیح ولکن مرقاة را پلّه بسیار است و عرفانرا مراتب لانهایه از حقّ میطلبیم در هر یوم بر او بیفزاید و تأیید نماید لیصل الی مقام تکون اعماله کلّها ذکراً واحداً و یجد منه المخلصون عرف عنایة اللّه ربّ العالمین البهآء من لدنّا علیه و علی الّذین ما غرّتهم الدّنیا و ما منعتهم عن التّقرّب الی الغنیّ المتعال انتهی اینعبد فانیهم خدمت ایشان تکبیر و سلام میرساند در لیالی و ایّام مذکورند من کان للّه کان اللّه له آنچه از ایشان مشهود است خدمت امر الهی است یشهد الخادم بما یری و الأمر بید اللّه مولی الوری

و اینکه ذکر احبّآء اللّه سیسان علیهم بهآء اللّه را فرمودند لوح امنع اقدس مخصوص ایشان نازل و ارسال شد و همچنین لوح امة‌اللّه ضلع جناب آقا محمّد قلی و یک صحیفهٴ مبارکه مخصوص ابناء خلیل علیهم بهآء اللّه در ارض هاء و میم و همچنین اوراق وصول آنچه آنمحبوب نوشته‌اند و طلب نموده‌اند ارسال شد اولیا و دوستان الهی در هر ارض و بلد که ساکنند اینعبد خدمت هر یک سلام و تکبیر میرساند ربّ مطلوب و ایشان طالب ایشان سائل و حقّ مجیب لذا استدعا آنکه عباد خود را بنار محبّت مشتعل فرماید و بنور معرفت منوّر اوست خداوند یکتا و المقتدر علی ما یشآء شاید از ذکر این خادم فانی متذکّر شوند و به ما ینفعهم قیام نمایند السّلام و الثّنآء و الذّکر و التّکبیر و البهآء علی حضرتکم و علیهم و علی کلّ ثابت راسخ مستقیم و کلّ قائم ناطق مبیّن علیم و الحمد للّه المقتدر العزیز الحکیم

خ‌ادم

فی شعبان المعظّم سنة ۱۳۰۴

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۹ ژانویه ۲۰۲۳، ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر

1. ۱ ارقام ٢ و ۵ و ١ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف ”ب“ و ”ه“ و ”الف“ است که مجموع آنها کلمه ”بها“ را تشکيل ميدهد. [↑](#footnote-ref-1)